



باهنر در گفت و گو با «اعتماد» وعده داد

بازگشت ناطق

تحلیل دبیرکل جبهه پیروان خط امام
ورهبیری از حال و روز اصولگرایان

سرمقاله

اصولگرا نماها و کلاه اصولگرایان

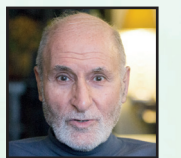
نمی دانم این ادعا که اصولگرایان به طور سنتی حدود ۱۵ درصد از رای جامعه و اصلاح طلبان هم کمی بیشتر از این رقم را دارند بر اساس کدام نظرسنجی علمی مطرح شده، اما در مورد جناح اصولگرا چه این رقم درست باشد یا نباشد، یک امر مسلم قابل انکار نیست که تعداد افراد قسم خورده این جناح به مراتب بیش از جناح مقابل هستند. به این معنی که اصولگرایان، بخش هایی از جامعه را با خود دارند که حتی با بدترین عملکردشان هم از رای آنها برخوردار خواهند بود. اتفاقی که در سال های اخیر با آن مواجه شده ایم، فزونی گرفتن آرای خاکستری در جناح اصولگرا است. نسل نواصولگرایان، از پدران سیاسی خود تبعیت محض ندارد. اینکه گویا گفته می شود باید جریان «نواصولگرایی» را بگیرد، اشاره به پایگاه رای دارد که نسبت به جریان اصولگرایی ایمانش ضعیف شده است. ادامه در صفحه ۱۱



محمدماجری



سونامی
نیپالیسم



بانمایند امریکا
مذاکره نکردیم

بیژن عبدالکریمی - ۱۴

بهزاد نبوی - ۴



سازمان میراث فرهنگی: از حاشیه ها تا متن

نگاه روز

چرا در برابر عربستان خویشتنداری کنیم؟



عباس عبادی

تحوالات عربستان سعودی به نسبت عجیب است. این حد از تغییرات در مدت زمان کوتاه بدون عوارض و تبعات نخواهد بود. اولویت تحول در حوزه خارجی عربستان رخ داد و پس از بهار عربی و حذف قدرت های اول دنیای عرب از سیاست منطقه ای، عربستان به یکباره در اس قدر قدرت منطقه ای عربی قرار گرفت و بار سنگینی را بر دوش خود حس کرد. ولی تغییرات اساسی تر در حوزه داخلی رخ داد. ابتدا یک انتقال قدرت به نسل جدید را شاهدیم که خیلی هم معمول نیست. حکومتی که بیش از نیم قرن است از طرف رهبرانی اداره می شود که عموماً بالای ۷۰ و ۸۰ سال سن داشته اند، به یکباره بخوابد با وضعیتی مواجه شود که قدرت عملی در دست کسی قرار بگیرد که به تازگی دهه سوم عمر خود را تمام کرده است. شاید این تغییر قابل تحمل باشد، ولی هنگامی که می بینیم تغییرات اجتماعی به ویژه در مساله زنان که کلیدی ترین متغیر در تمایز یک جامعه سنتی و جدید است، رخ می دهد باید پذیرفت که اتفاقات مهمی در داخل عربستان در حال رخ دادن است. به ویژه آنکه حکومت سعودی طرح چشم انداز ۲۰۳۰ موسسه مکنزی را برای عربستان دارد که طرحی بسیار بلند پروازانه است و الزامات زیادی برای تحقق آن وجود دارد. الزاماتی که دولت موجود بعد از آن پس تأمین آن برآید. بنابراین عربستان سعودی در سه جبهه اصلی وارد چالش و به تعبیری نبرد شده است. جبهه سیاست خارجی که جنگ در میان و دخالت در سوریه و اخیراً دخالت مستقیم در لبنان و پیش از این در قطر مصداق آن است و از این طریق قصد نشان دادن اقتدار خود در جهان عرب را دارد. جبهه سیاسی که باید با شاهزادگان و خانواده های سعودی مبارزه کند و بخش مهمی از آنان را برای همیشه از ساخت سیاسی قدرت کنار بزند. و بالاخره جبهه فرهنگی و اجتماعی که باید با روحانیون و شیوخ سنتی و نیز ساختار فرهنگی به نسبت متعصب عربستان مقابله کند. مبارزه در یکی از این جبهه ها نیز امری سخت و مشکل است، چه رسد به اینکه در سه جبهه بخوانند مبارزه کنند. پرسش این است که رهبران سعودی چگونه و با تکیه به چه

قدرتی می خواهند این اهداف را پیش ببرند؟ برای پاسخ به این پرسش باید اطلاعات دقیق تری از داخل عربستان و ساخت سیاسی آن داشت. که در اختیار نویسنده نیست، ولی می توان تحلیلی عام تر را در این باره ارائه کرد. قدرت محمد بن سلمان شامل دستگاه دولتی، نیروی نظامی، توان پولی و اقتصادی، احتمالاً حمایت بخشی از نیروهای جوان و نوگرایی موافق تحولات و بالاخره حمایت های خارجی چون آمریکا و اسرائیل و بخشی از کشورهای عربی است. ولی به نظر نمی رسد که این حمایت ها برای تحقق چنان اهداف مهمی کافی باشد. چون مخالفت ها نیز بسیار قوی و به نسبت ریشه ای هستند. در حالی که مولفه های فوق الذکر قدرت، لزوماً پایدار و باثبات نیستند. پرسش دیگر این است که چه برنامه ای پشت این اقدامات سعودی ها وجود دارد؟ برخی ها معتقدند طرح مشترک آمریکا و اسرائیل است. برخی نیز آن را درون زا و از سوی محمد بن سلمان می دانند. به نظر می رسد که اسرائیل هیچگاه به قدرتمند شدن یک کشور جهان عرب رضایت نخواهد داد و هر برنامه ای که از سوی اسرائیل حمایت شود، مآلاً باید به تضعیف بیشتر عربستان منتهی شود. هر چند در ظاهر و در ابتدا همسو باشند. تجربه نشان داده که ایالات متحده نیز در هیچ برنامه ایجایی در خاورمیانه موفق نبوده است. حتی در عراق و افغانستان که لشکر کشی کرد نیز در نهایت به لحاظ ایجایی ناموفق بود مگر آنکه برنامه آنان در این دو کشور را نیز تخریبی در نظر بگیریم. اگر برنامه از سوی شخص محمد سلمان باشد با توجه به اینکه شخصی است و پس زمینه سیاسی و اجتماعی قدرتمندی او را همراهی نمی کند، بنابراین بعید است که حتی در گام های اولیه نیز موفق باشد. به ویژه آنکه برنامه های شخصی محور از این قاعده تبعیت می کنند که به نسبت بلند پروازانه هستند و هنگامی که با نخستین مشکلات مواجه شد، همه حامیان آن، خود را کنار می کشند و تمام تصمیمات را بر سر رهبر اصلی تغییرات می اندازند. نمونه روشن آن شاه ایران بود که در سال آخر حکومتش نزدیکانش نیز از او تبری می جستند. در واقع سیاست های مبتنی بر اراده فردی و غیرمشارکتی، همیشه با خطر خالی شدن پشت رهبر سیاسی مواجه است. نکته دیگر این نوع سیاست ها، تشویق رهبر تغییرات برای

یک قناری یک کلاغ

نویسنده و کارگردان: اصغر عبداللہی
با بازی: هنگامه قاضیانی حبیب رضایی
تهیه کننده: علی حضرتی

کانون گیلدا (دانشگاهیان و دانش آموختگان گیلانی)

پرسپولیس ۸۳۰۵

رجوع به صفحه ۱۵

جدیدترین مدل های پوشاک فصل در فروشگاه های

ماکسیم

پوشاک نسل امروز... و فردا

maxim
COLLECTION

روابط عمومی و بازرگانی: ۸۸۸۸۸۸۱۵
www.maximiran.com @maximclothes